خرید آنلاین در gajmarket.com

نامزد: شخصی که برای به عهده گرفتن مسئولیتی معرفی شده باشد.

ضبط کردن: نگاه داشتن، حفظ کردن

قاصد: نامه‌بر

طهارت: پاکی

پاک‌دامن: پارسا، عفیف

سلب شدن: جدا شدن

کافور: مادّه‌ای خوشبو و سفیدرنگ؛ کافوری: منسوب به کافور (سفید)

معنی متن

صفحهٔ ۷۵ تا ۷۸ کتاب درسی

نمی‌دانست در کجا ریشه بدواند.

نمی‌دانست کجا را وطن اصلی و جایگاه وابستگی‌های خود قرار دهد.

آرایه ریشه دواندن: کنایه از اقامت کردن

از بحران‌های عصبی، که امروز رایج است و تحفهٔ برخورد فرهنگ شرق با غرب است، در آن زمان خبری نبود.

آشفتگی‌های روحی که ثمرهٔ تبادل فرهنگی مردم شرق با غرب است، در آن زمان وجود نداشت.

هر عصب و فکر به منبع بی‌شائبهٔ ایمان وصل بود که خوب و بد را به عنوان مشیت الهی می‌پذیرفت. به این زندگیِ گذرا آن‌قدر‌ها دل نمی‌بست که پیشامد ناگوار را فاجعه‌ای بینگارد و در نظرش اگر یک روی زندگی زشت می‌شد، روی دیگری بود که بشود به آن پناه برد.

هر ارتباط، اندیشه و گرایشی، ریشه در منبع پاک ایمان و یقین او داشت که شادی و ناملایمات را به عنوان ارادهٔ الهی می‌پذیرفت. به دنیا و زندگی مادی وابستگی نداشت و در برابر حوادث ناگوار، شکیبایی می‌کرد و سختی‌ها را در کنار خوشی‌ها می‌پذیرفت. (رضایت در برابر تقدیر الهی)

آرایه منبع ایمان: تشبیه / دل بستن: کنایه از علاقه‌مند شدن و وابستگی / یک روی زندگی: استعاره

برخلاف مادرم که خشک و کم سخن بود و از دایرهٔ مسائل روزمره و مذهبیات، خارج نمی‌شد، وی از مباحث مختلف حرف می‌زد؛

به عکس مادرم که جدی و کم‌حرف بود و فقط در مورد مسائل روزانه و مذهبی صحبت می‌کرد، خاله‌ام در زمینه‌های گوناگون سخن می‌گفت.

آرایه خشک: مجازاً جدی - حس‌آمیزی / دایرهٔ مسائل (مسائل مانند دایره): تشبیه

برای من قصّه‌های شیرینی می‌گفت.

آرایه قصه‌های شیرین: حس‌آمیزی

ورد زبانشان بود: «مادر جون این طور گفت، مادر جون آن طور گفت.»

آرایه ورد زبانشان بود: کنایه از اینکه مرتباً تکرار می‌کردند.

@ciabooks